

روش تحلیل سیاسی



- آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای
- موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی
- ۸۰ صفحه
- ۱۵ هزار تومان

«روش تحلیل سیاسی» مجموعه بیانات مقام معظم رهبری درباره مهارت‌ها و فنون تحلیل سیاسی است. این کتاب تلاشی است جهت ارائه تکنیکی منسجم و منطقی برای بررسی رویدادها در چارچوب تحلیلی انقلاب اسلامی بر اساس منظومه فکری حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای. فصل اول اصول اولیه برای به دست آوردن مقدمات لازم جهت تحلیل سیاسی را پوشش می‌دهد و رویه‌ها و نیازهای یک تحلیل سیاسی خوب و مستحکم در فصل دوم تشریح شده است.

طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



- آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای
- انتشارات صهبا
- ۵۳۶ صفحه
- ۶۶ هزار تومان

سخن‌رانی‌های «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» مربوط به زمانی است که رهبر انقلاب در مسجد امام حسن (ع) مشهد، در کسوت یک روحانی مبارز جوان سخن‌رانی می‌کرد. سخن‌رانی‌هایی که بیشتر به کلاسی آموزشی شباهت داشت. سخن‌رانی‌هایی که سرانجام ایشان را به پایتخت استبداد و کمیته ضدخرابکاری کشاند. «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» پنجمین اثر مکتوب آیت‌الله خامنه‌ای بود که قبل از انقلاب، در ۱۳۵۴ به چاپ رسید.

دوران جدید عالم



- آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای
- موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی
- ۳۱۲ صفحه
- ۳۵ هزار تومان

در این کتاب به رویکرد انتقادی انقلاب اسلامی نسبت به جهان متجدد غربی مبتنی بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، به تفصیل پرداخته شده است. کتاب حاضر، شامل دو بخش کلی است: «انقلاب اسلامی و غرب متجدد» و «غرب‌شناسی و تجددشناسی انتقادی»؛ که مطابق با فهرست کتاب، فصولی متناسب با این دو بخش، مدون و منقح شده‌اند.



جلسه تاریخی مجلس خبرگان رهبری در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ / آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در کنار آیت‌الله سیدمهدی روحانی

انتخابی یگانه در روز سرنوشت

سند انتخاب روایتی از برگزیدن رهبری انقلاب اسلامی بعد از امام خمینی است

و وضعیت عینی، خلأ رهبری و ضرورت بی‌سرپرست نماندن انقلاب و نظام اسلامی بود. پیرامون ضابطه، سه تحلیل اساسی وجود داشت و در واقع، اجلاس سه سال ۶۸، عرصه تلاقی این سه دیدگاه تفسیری، درباره صلاحیت‌های رهبری است. دیدگاه نخست، مرجعیت بالفعل را شرط رهبری می‌دانست، دیدگاه دوم و سوم اما صلاحیت آن را کافی می‌دانستند. دیدگاه دوم، حد صلاحیت را، فقیه جازیت‌تقلید قرار می‌داد و دیدگاه سوم، اجتهاد مطلق را، برای صلاحیت فقهی رهبر، کافی می‌دانست. اتخاذ هر یک از تفاسیر سه‌گانه، اقتضانات خاص خود را داشت و از جمله، صاحبان هر دیدگاه را به سمت مدل خاصی از رهبری، مثلاً رهبری فرد یا رهبری شورا سوق می‌داد. در اجلاس سه سال ۶۸، دیدگاه سوم پیروز شد. دیدگاه سوم، غایت هنرمندی خبرگان در حل معادله پیش‌گفته بود؛ بهترین پاسخ برای تطبیق ضابطه با وضعیت. دیدگاه سوم، بیان‌گر امکان و مطلوبیت آن دسته از فقهایی بود که در عین بهره‌مندی از فقه اجتهادی، زمان‌شناس بودند، در تجربه ده‌ساله جمهوری اسلامی، مدیرانی آبدیده و دنیادیده شده بودند، خط امام را می‌شناختند و در یک کلمه، فقهایی سیاست‌مدار بودند. با تدبیر خبرگان، یکی از مصادیق واضح این طایفه از فقه‌ها، یعنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به عنوان دومین رهبر انقلاب و جمهوری اسلامی برگزیده شد. انتخابی که مانند هر انتخاب دیگری، در چشم موافقان و رضایت‌مندان، برق شادی و امید جهان‌دو در قلب مخالفان، زبانه‌های اعتراض و کین را برانگیخت.

مشروح مذاکرات اجلاس سه سال ۶۸

در همه سال‌هایی که از آن انتخاب می‌گذرد، جز خبرگانی که در بطن آن حادثه عظیم حضور داشتند، بقیه آحاد

کرد اما کمی بیشتر از دو ماه پیش، آقای منتظری را از قطار انقلاب پیاده کرده بود. روز مبادا، با دست ظاهراً تهی خبرگان، و تدابیر بر زمین‌مانده‌ای چون بازنگری در قانون اساسی فرارسیده بود.

انتخابی تاریخی و یگانه

چهاردهم خرداد ۱۳۶۸، خبرگان رهبری در ساختمان مجلس شورای اسلامی گرد هم آمدند تا زیر سایه این مختصات پیچیده، وظیفه تاریخی خود را به انجام رسانند. تجربه چندساعته خبرگان در آن روز سرنوشت‌ساز، اگرچه یک تجربه مهم سیاسی است اما در تاریخ فقه و تاریخ شیعه نیز، یک اتفاق بی‌نظیر است. بلکه در تاریخ ایران، شاید نخستین باری بود که جمعی از منتخبان مردم، رهبر و حاکم جامعه را «انتخاب» می‌کردند. این انتخاب، البته به چارچوب موازین اسلام، و ضوابطی که این دین الهی، با قرائت شیعی و تحت نظریه ولایت فقیه امام خمینی، برای رهبر تعیین کرده بود، محدود می‌شد. با این حال، همه چیز به همین سادگی هم نبود. خبرگان رهبری، اگرچه متولی انجام یک کنش فنی، یعنی تطبیق مصادیق با ضوابط مذکور بودند اما خیلی زود خود را در سیطره عوامل متعدد دیگری هم یافتند. ملاحظات جامعه‌شناختی، شناخت وضعیت و ضرورت‌های فعلی نظام و کشور، اختلاف سلیقه‌های سیاسی، زهدطلبی‌ها یا مقام‌طلبی‌های افراد و متغیرهای دیگر و دیگری، ناگهان در نظام محاسبه و ذهن انتخاب‌گر خبرگان وارد شد. همین‌ها، آن انتخاب را، تاریخی‌تر و یگانه‌تر کردند.

مسئله اصلی اجلاس سه سال ۱۳۶۸ خبرگان رهبری، تطبیق ضابطه با وضعیت عینی است. همه کنش‌ها و واکنش‌های این اجلاس را می‌توان پیرامون همین مسئله تحلیل و بررسی کرد. ضابطه، شرع و قانون اساسی جمهوری اسلامی؛

امید ماندگار روزنامه‌نگار

رحلت امام خمینی، یک اتفاق بزرگ بود. تلخی آن به کام عاشقان نشست و ایران، یک پارچه سیاه‌پوش شد اما این عزای عمومی، یک رویداد سیاسی مهم نیز به شمار می‌آمد؛ انتظار برای مشاهده آن که جمهوری اسلامی می‌تواند رهبر تازه‌ای بیابد یا نه، به سر آمده بود و موافقان و مخالفان، فاصله چندانی تا راستی آزمایی فرضیه‌های‌شان نداشتند. تئوری پردازان نظریه «ردای ناندازه ولایت»، نشانه‌های اثبات نظریه‌شان را می‌جستند و منتظر بودند که ولایت امر، یا همان رهبری، در امام بماند و نظام، در بلا تکلیفی و سردرگمی، رو به تجدیدنظر بیاورد، و انقلابیون، مجدانه می‌خواستند تا نشان دهند که ولایت، در یک مصداق خلاصه نخواهد شد و رهبری انقلاب، به دست فقیه دیگری سپرده خواهد شد.

«سند انتخاب»، شرح انتخاب دومین رهبر انقلاب اسلامی است. این بار، و برخلاف تجربه رهبری امام خمینی، نه شعارهای مردم، و نه احساسات و خروش هم‌دلانه‌شان، که یک ساختار، متولی انتخاب رهبر بود. ساختاری پارلمانی که از سال ۱۳۶۱، با تشکیل مجلس خبرگان رهبری به وجود آمده و حالا، روز مبادایش فرارسیده بود. خبرگان رهبری در سال ۱۳۶۸، تجربه‌ای شگرف و پیچیده را نیز که طی سال‌های گذشته از سر گذرانده بودند، پیش روی داشتند. آن‌ها با شوق و شغف بسیاری، فردی را که ذخیره انقلاب برای جانشینی امام می‌پنداشتند، فقیه عالی‌قدر، منتظری امید امت و امام را، به رهبری آینده نظام در نظر گرفتند تا دست‌شان برای روز مبادا خالی نباشد و دشمن، حساب کار را در باید که خلأ رهبری پدید نخواهد آمد. امام رحلت